

چالش‌های پیش‌روی کسب‌وکار در ایران از منظر فعالان اقتصادی سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲

بهاره عریانی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

ایلنا

ورود به فضای نظم‌نوین اقتصادی، حرکت به سمت بازآرایی ساختار بازارها در راستای ارتقای تولیدات صادرات‌محور و قابل عرضه در بازارهای بین‌المللی (افزایش رقابت‌پذیری) را بیش از پیش ضروری ساخته است. در این ارتباط، رقابت‌پذیری معیاری کلیدی جهت ارزیابی درجه موفقیت کشورها، صنایع و بنگاه‌ها در عرصه‌های رقابتی، سیاسی، اقتصادی و تجاری است و بهبود آن مستلزم افزایش کیفیت محصول در چرخه تولید و کاهش قیمت تمام‌شده محصول می‌باشد. این امر محقق نخواهد شد مگر در سایه برخورداری از فضای کسب‌وکار مناسب. به‌طور دقیق‌تر، بخش قابل توجهی از مقتضیات رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب‌وکار مناسب است که این مهم نیز محقق نخواهد شد مگر در سایه برنامه‌ریزی صحیح و اصولی در راستای رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری از طریق تامین امنیت اقتصادی و سیاسی، ساماندهی وضعیت بازار کار و اشتغال از طریق هماهنگی میان نظام آموزشی و نیازهای بازار کار. در چنین شرایطی اصلاح فضای کسب‌وکار و بهبود شاخص‌های مزبور در عرصه جهانی نه تنها گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد، ارتقای سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می‌شود، بلکه نمادی مهم برای استقبال سرمایه‌گذاران خارجی جهت ورود به کشور و تسهیل جریان ورود فناوری به کشور نیز به‌شمار می‌رود.

ضرورت‌های توأم با توجه به بهبود فضای کسب‌وکار در اقتصاد ایران پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی با مضمون کاهش حوزه فعالیت‌های اقتصادی دولت و افزایش مشارکت‌گیری بخش خصوصی در عرصه‌های اقتصادی (از قبیل سرمایه‌گذاری، تولید و توزیع)، تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه کشور و اهمیت دستیابی به خودکفایی و انعطاف‌پذیری بیشتر عرضه اقتصاد در چنین شرایطی اهمیتی مضاعف یافته است. در این ارتباط، در گزارش‌های رقابت‌پذیری جهانی که به‌صورت سالانه توسط مجمع جهانی اقتصاد تدوین و منتشر می‌شود، چالش‌های پیش‌روی فضای کسب‌وکار از

منظر فعالان اقتصادی رتبه‌بندی می‌شود. وجود چنین اولویت‌بندی‌هایی به سیاستگذاران این امکان را می‌دهد که در انجام برنامه‌ریزی‌های خود این مشکلات را در اولویت قرار دهند. به‌طور دقیق‌تر، در محاسبه شاخص رقابت‌پذیری جهانی، طی نظرسنجی از فعالان اقتصادی خواسته می‌شود از میان ۱۶ مورد مشخص شده شامل: ۱. دسترسی به منابع مالی، ۲. عدم ثبات در سیاست‌های دولت، ۳. تورم، ۴. مقررات ارزی، ۵. دیوانسالاری در دولت، ۶. عدم وجود زیرساخت‌های کافی، ۷. مقررات دست‌وپاگیر نیروی کار، ۸. عدم رعایت اصول اخلاقی از سوی نیروی کار، ۹. فساد، ۱۰. نرخ مالیات، ۱۱. مقررات مالیاتی، ۱۲. کمبود نیروی کار تحصیل‌کرده، ۱۳. فقدان ظرفیت کافی جهت نوآوری، ۱۴. عدم ثبات در دولت، ۱۵. دزدی و جنایت و ۱۶. سلامت عمومی پایین، ۵ مورد از مهمترین مشکلات فراروی کسب‌وکار را به ترتیب اهمیت تعیین کنند. نتایج حاصل از این نظرسنجی مجموع موزون پاسخ‌ها می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که، وزن هر پاسخ متناسب با ترتیب اهمیت مشخص‌شده برای آن در هر پرسشنامه، تعیین می‌شود. بر این اساس، بررسی چالش‌های پیش‌روی فضای کسب‌وکار در ایران از منظر فعالان اقتصادی در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۱، معادل ۴۴.۲ درصد فعالان اقتصادی، دسترسی به منابع مالی (به‌دلیل توسعه ناقص بازار مالی)؛ عدم ثبات در سیاست‌های دولت (این عامل با افزایش نااطمینانی در سطح جامعه می‌تواند زمینه‌ساز تشدید تورم (بواسطه شکل‌گیری تورم انتظاری)، کاهش انگیزه‌های لازم جهت سرمایه‌گذاری‌ها (اعم از داخلی و خارجی) باشد که ماحصل تمامی این موارد کاهش قدرت رقابت‌پذیری کشور است و تورم را مهمترین مشکلات پیش‌روی فضای کسب‌وکار عنوان کرده‌اند. حال آنکه در سال ۲۰۱۲، معادل ۴۸.۳ درصد فعالان اقتصادی سه عامل مذکور را (با همان اولویت‌بندی) مشکل اصلی فضای کسب‌وکار عنوان کرده‌اند. دلایل این تغییر را می‌توان به‌صورت زیر عنوان کرد:

• افزایش تعداد فعالان اقتصادی که عدم ثبات در سیاست‌های دولت را دومین مشکل پیش‌روی فضای کسب‌وکار می‌دانسته‌اند از ۱۳.۷ درصد به ۱۵.۴ درصد؛

• افزایش تعداد فعالان اقتصادی که تورم را سومین عامل بازدارنده فعالیت عنوان کرده‌اند از ۱۱.۱ درصد به ۱۴.۲ درصد؛

• کاهش تعداد فعالین اقتصادی که دسترسی به منابع مالی را اولین مشکل فعالیت در ایران عنوان داشته‌اند از ۱۹.۴ درصد به ۱۸.۷ درصد. یکی از دلایل این کاهش را می‌توان به *راه‌اندازی سامانه اعتبارسنجی بانکی و آغاز فرآیند به اشتراک‌گذاری اطلاعات بانکی* نسبت داد.

با توجه به نوسانات نرخ ارز در سال ۲۰۱۲ بر تعداد فعالانی که مقررات ارزی را عامل بازدارنده فعالیت می‌دانسته‌اند افزوده شده است (از ۵.۸ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۱۰.۳ درصد در سال ۲۰۱۲) این عامل بر قدرت رقابت‌پذیری صادراتی کشور و در نتیجه رتبه رقابت‌پذیری کلی کشور اثر خواهد داشت.

در مجموع می‌توان گفت در راستای رفع مشکلات پیش‌روی فضای کسب‌وکار در کشور و قرار گرفتن در مسیر اهداف سند چشم‌انداز، ضروری است توسعه بازارهای مالی (تسهیل شرایط دسترسی به منابع مالی و هزینه‌های آن)، افزایش ثبات در سیاست‌های دولت، رفع تنگناهای ساختاری موجود در کشور که سبب تشدید تورم شده‌اند، اتخاذ سیاست‌های ارزی مناسب جهت ممانعت از اشاعه کامل نوسانات نرخ ارز در قیمت‌های داخلی در راس توجه مسئولان قرار گیرد.